[219] اينكه علتى از جانب تو داشته باشد، چگونه از جانب من علتى براى آن باشد. معبودا ! تو در ذاتت بى نيازى از اينكه بتو سودى از جانب خودت برسد، چگونه از من بى نياز نباشى، بارالها قضاء وقدر مرا آرزومند سازد، و ميل به اطمينانهاى شهوت مرا اسير ساخت، پس تو ياور من باش تا ياريم كنى وبينايم گردانى، وبه فضلت مرا بى نياز گردان، تا از تلاشم بى نياز گردم. تو كسى هستى كه انوار معرفت را در قلوب اوليائت تاباندى تا تو را شناختند وبه يگانگى ستودند، وتو كسى هستى كه نامحرمان را از دلهاى دوستانت خارج ساختى تا غير تو را دوست نداشته باشند، وبه غير تو پناه نبرند، تو مونس آنانى هرگاه جهانيان ايشان را به وحشت اندازند، وتو كسى هستى كه هدايتشان كردى هر جا كه نشانه ها برايشان آشكار شد. چه يافت آنكه ترا گم كرد، وآنكه تو را يافت ديگر چه گمشده أي دارد، به يقين زيان كرد آنكه جز به تو رضايت داد وجز تو را برگزيد، و زيانكار شد آنكه از تو گذشت وبه ديگران رسيد، چگونه بنده به غير تو اميد بندد در حاليكه احسان خويش را از أو دريغ نكرده أي، وچگونه به غير تو بياويزد در حاليكه عادت خويش به محبت وبخشش را تغيير نداده أي. _____